

سرآغاز

دشواریهای مطالعات تاریخی معماری ایران و پدیده سیدباقر شیرازی

اینکه مطالعات تاریخی معماری ایران درخور تاریخ معماری ایران و آثار بی شمار آن نیست نیاز به دلیل و گواه ندارد. این ناشایستگی البته ناشی از کمبود محقق راستین و عمیق و پرکار است؛ اما مشکل تاریخ‌نویسی معماری ایران منحصر به نبود محقق نیست. حتی اگر محققان آگاه و دردمند و سخت‌کوش هم به کفایت درکار بودند، دشواریها و مانعهای بسیاری پیش راه آنان بود که کارشان را سخت و ناممکن می‌ساخت.

از میان هزاران هزار اثر تاریخی در قالب بنا و مجموعه و آبادی که از جور جايران و تظاول روزگاران به دست ما رسیده، بسیاری از آنها بر اثر موجهای پی‌درپی فرهنگ جدید از درون تهی شده یا از بستر جدا افتاده یا یکسره از میان رفته است و می‌رود. سامان یافتن مطالعات تاریخی معماری ایران پیش از هر چیز نیازمند حفظ این آثار است. حفظ آثار نیازمند کسان و جریانهایی است که هم بر این آثار و ارزش آنها آگاه باشند و هم از چنان قوتی برخوردار باشند که بتوانند در برابر سیل فرهنگ جدید، بی نفی فایده‌های آن، بایستند. اعتدال مزاج، آگاهی و ژرف‌اندیشی، شناخت عمیق فرهنگ کهن و فرهنگ جدید، و توان فعالیت اجتماعی و دلبستگی به ارزشهای دینی و بومی حتی فعالیت سالم در عرصه مدیریت از خوبیهای بایسته برای این‌گونه کسان است.

اندک تأمل واقع‌بینانه نشان می‌دهد که حتی این اندازه توانایی هم برای حفظ آثار بسنده نیست. موج فرهنگ جدید چندان قوی است که حتی مدعیان دفاع از فرهنگ دینی را هم به درون خود می‌بلعد و گاهی جریانهای مدافع بازگشت به خویش را در محو و دگردیسی آثار تاریخی با خود همراه می‌سازد. آنان که آثار تاریخی را سند و حبل متین اتصال به فرهنگ دینی و بومی می‌شمارند نیک درمی‌یابند که تلاش آنان، هر قدر هم آگاهانه و اندیشمندانه و از دل و جان، نمی‌تواند در برابر این سیل تاب آورد. آنان می‌دانند که در همان مدتی که قوت خود را صرف حفظ اثری می‌کنند، دهها اثر دیگر از میان می‌رود. آنان ناگزیرند هم‌زمان تلاش در جبهه‌های دیگر را نیز سامان دهند: حفظ آثار در قالب اسناد و مستندسازی آثار تاریخی. با مستندسازی، اگر برای حفظ

اثر و بستر آن کاری برنمی آید، باری این دلخوشی هست که اسنادی دقیق و گویا از آن باقی بماند.

حفظ و مرمت و پاس‌داشت و مستندسازی آثار تاریخی مقدمه مطالعه در این آثار است؛ اما خود نیازمند این مطالعه نیز هست. به سخن دیگر، حفظ آثار تاریخی لازمه مطالعه در آنهاست و مطالعه در آثار تاریخی لازمه حفظ آنها. کار در آثار تاریخی معماری ایران — یعنی کار در تاریخ معماری ایران — مجموعه‌ای است از فعالیتهای تحقیق و مدیریت و سیاست و مرمت. همه این کارها نیازمند بنیادهای نظری استوار است. بدون بنیاد نظری، این کارها یله می‌ماند و به هم نمی‌پیوندد. دستگاهی نظری لازم است تا همه اندیشه‌ها و فعالیتها در حوزه تاریخ معماری ایران به هم و به دستگاه کلی فرهنگ اسلامی و ایرانی بسته شود و قرار و آرام، و در همان حال، زاینده‌گی و بالنده‌گی یابد.

اما راه دفاع از آثار تاریخی و حفظ آنها و مطالعه در آنها خود نیز آکنده از خطرها و عقبه‌ها و لغزشگاههاست: لغزشگاه یکی گرفتن کار نظری با فلسفه‌بافی، لغزشگاه تعمیمها و تجلیلهای بی‌پایه و نشانندن تجلیل مدام بر جای تحلیل، گردنه بی‌اعتنایی به کار نظری و اکتفا به کارهای عملی حفظ و مرمت، بی‌راهه یکی انگاشتن آگاهانیدن مردم با تبلیغات، کژراهه خودپرستی و خودمحوری به جای دفاع از هویت دینی و بومی، پرتگاه بی‌اعتنایی به زندگی امروز و نیازهای جدید، عقبه اکتفا به تک‌اثر و بی‌توجهی به بستر کالبدی و فرهنگی و اجتماعی، بسنده کردن به کالبد آثار و صورت و شکل آن و بی‌اعتنایی به زندگی‌ای که در اثر روی می‌داده است، ...

پیمودن راهی چنین دشوار نیازمند کار گروهی و سراسری و سازمان‌یافته کسانی بزرگ و هوشمند و دردمند و کوشاست. اما علاوه بر آن، نیازمند وجود نادره‌کارانی است که در همه حوزه‌های یادشده سرآمد باشند و بتوانند تمامی این راه را یکجا نظاره کنند و طرحی جامع و استوار برای همه آن دراندازند. دکتر سیدباقر آیت‌الله‌زاده شیرازی از این نادره‌کاران بود.

بنای گلدستان هنر تنها بر تجلیل بزرگان نیست؛ لیکن بررسی تاریخ تاریخ معماری ایران در زمره وظایف آن است. بی‌توجهی به نعمت الهی وجود دکتر شیرازی در زمانه اوج بحران تاریخ معماری ایران ناسپاسی است.

او جامع صفاتی بود که کمتر در کسی گرد می‌آید و هیچ معلوم نیست که چنین جامعیتی دوباره کی و کجا دست دهد. شیرازی درباره معماری، چه معماری امروز و چه تاریخ معماری، نظریه‌های کلان و جدی و متکی بر شواهد داشت. از سوی دیگر، در جزئیات ساختمان و مرمت صاحب‌نظر بود و استادکاران و کارورزان را راهنمایی می‌کرد. اهل فکر و درس و بحث و مطالعه و کتابخانه بود و در همان حال، اهل سفر و مرمت و کارگاه و میدان و صحرا. عادت رایج در میان امثال ما این است که دفاع از حوزه‌ای را با کم شمردن قدر حوزه‌های دیگر تاریخ معماری ملازم می‌شمردیم. او چنین نکرد. هم به نظر پرداخت و هم به عمل، هم در کتابخانه حاضر شد و هم در میدان، هم به مدیریت و سیاست میراث فرهنگی پرداخت و هم به پژوهش و مستندسازی، و هم به مرمت و احیا. آشنایی عمیق و آغشته‌گی او با فرهنگ دینی و بومی ایران این امکان را برای او فراهم آورد که آثار را نه منفک، بلکه در دل این فرهنگ ملاحظه کند. همین یگانگی و آغشته‌گی بود که دستگاه فکر و عمل او را منسجم ساخت. صفات ممتاز اخلاقی او، به‌ویژه خاکساری و فروتنی و حلم و تأنی و دین‌داری و مردم‌داری، همراه با آن انسجام فکری و عملی، او را بحق تکیه‌گاه همه اندیشمندان و کارورزان پیر و جوان تاریخ معماری ایران و نقطه وحدت و اتصال مورخان و طراحان و محققان معماری و شهرسازی و باستان‌شناسی ایران ساخت. شیرازی مصداق «قلیل المؤمنه و کثیر المعونه» بود؛ کم‌هزینه و پرفایده. به این عالم آمد؛ چابک و سبک‌بار و پرفایده زیست؛ و آرام و زیبا و پرشکوه رفت.

از مهربان‌ترین مهربانان که این نعمت بزرگ را به ما ارزانی کرد و به ما توفیق داد هم‌عصر و هم‌زبان و برخوردار از وجود او باشیم، می‌خواهیم که او را با نیاکان پاکش محشور گرداند، نسخ این آیت خود را با آیتی دیگر جبران کند، و ما را رهرو واقعی او سازد.

سردبیر